

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

جمعی از کمونیست های انقلابی - افغانستان

۱۷ اگست ۲۰۲۳

## گذشت دوسال از حکومت واپسگرا و ارتجاعی طالبان

دو سال است که نیروی واپسگرای طالبان توسط امپریالیزم امریکا و متحدینش در منطقه، بر مسند قدرت در کشور نشانده شده است. در این دو سال مردم ما و به خصوص زنان جامعه بیش از حد تصور مورد ظلم و ستم این نیروی بینادگرای اسلامی قرار گرفته اند. دو سال به اندازه کافی طولانی است که بتوان بر خصلت ضد مردمی، زن ستیزانه و ماهیت ارتجاعی و وابسته آن پی برد. دو سال به اندازه کافی طولانی است تا به فریبکاری و دغلیکاری های امپریالیست های امریکائی و غربی که تلاش داشتند چهره تغییر یافته و مقبولی از طالبان ارائه دهند و آن را بر مردم ستم دیده ما تحمیل کنند، پی برد. این دوسال نشان داد که طالبان به مراتب وحشی تر، زن ستیز تر، ضد مردمی تر، وابسته تر و زورگو تر و حتی پرادعتر از سابق شده است. طالبان این خصلت های نوین را مدیون اعتماد، حمایت و پشتیبانی امپریالیست های غربی و شرقی و همچنین مرتجعان رنگارنگ منطقه می است.

اما در نقطه مقابل آن در همین دوسال و به موازات افزایش وحشیگری و زن ستیزی، ظلم و ستم بر مردم و ملیت های تحت ستم، مخالفت و ضدیت با طالبان افزایش یافته است و پایه های آن بیش از پیش سست و لرزان شده و این روند ادامه خواهد یافت. با توجه به چنین شرایطی است که می توانیم نگاه اجمالی به کارنامه طالبان از یک طرف و مهمترین مشکلی که با آن در آینده ای نه چندان دور روبه رو خواهد بود نظری بیفکنیم.

### کارنامه طالبان در دوسالی که گذشت

۱- سیاسی: پروژه مقبول ساختن طالبان توسط امپریالیست های امریکائی خیلی سریع به شکست انجامید. طالبان طاقت نداشت ماهیت ارتجاعی، وحشیگری، زن ستیزی، حذف هر نیروی رقیب و یا مخالف، انیت و آزار ملیت های غیر پشتون و دین و مذهب غیر از خود را حتی برای مدتی بروز ندهد. طالبان خیلی سریع خصلت های مشخصه خود را در زمینه های نامبرده زیر پرچم اسلام ظاهر ساختند. اگر چه می توان گفت طالبان در یک زمینه تغییر کرده است و روابط و مناسبات خود با امپریالیست ها و قدرت های بزرگ را تغییر داده و به صورت آشکارتر و روشنتری در خدمت منافع آنان قرار گرفته است. با گذشت زمان بیش از پیش روشن می شود که سیاست های طالبان و تحرکاتش در منطقه نه در تضاد با منافع امپریالیست های غرب بلکه در خدمت به منافع ستراتیژیک آنها قرار دارد. مهمترین آنها

پرورش نیروهای تروریستی، برای بی ثبات کردن کشورهای منطقه و آماده کردن زمینه برای جنگ های احتمالی می باشد که ممکن است با گسترش جنگ اوکراین در این مناطق دامن زده شود.

**۲- امنیت :** تبلیغات بسیاری از جانب محافل امپریالیستی دامن زده می شود که طالبان هر مشکلی داشته باشد اما قادر است که برای مردم امنیت بیاورد. این تبلیغات باعث شده که طالبان نیز به تبلیغ این ادعا بپردازد و آن را جزو دستاوردهای خود بنامد. اما معلوم نیست که منظور کدام امنیت است. آیا منظور از امنیت، امنیت نیمی از نفوس جامعه یعنی زنان است که از هیچ حق و حقوقی بهره مند نیستند و به صورت روزمره سرکوب می شوند، سایه تجاوز و قتل های مرموز پیوسته بالای سر آنها سنگینی می کند و تلاش همه جانبه ای برای حذف کامل آنها از جامعه می شود. یا شاید منظور امنیت ملیت های تحت ستم مانند هزاره ها است که جنگ خونینی علیه آنها صورت گرفته است و کشت و کشتار، بمب ها و حملات انتحاری جان و مال آنان و فرزندانشان را تهدید می کند. یا شاید هم منظور امنیت جوانان پنجشیری باشد که عملاً غیر قانونی شده اند و در هر کجا مورد بازخواست و تلاشی قرار می گیرند و یا منظور امنیت باشندگان پنجشیر و انداراب و بلخاب... است که عده بسیاری از آنها تیرباران شده و فامیل های آن ها از طفل و سالمند به صورت اجباری از خانه و کاشانه شان کوچ داده می شوند.

در دوسال حکومت طالبان بیش از ۱۵۰۰ نفر از باشندگان ملکی کشته و بیش از ۲۰۰۰ نفر زخمی شده اند. صد ها نفر مستقیماً تیرباران و یا به قتل رسیده اند و این روند ادامه دارد. به گفته نهاد حقوق بشر "روداری" در شش ماه گذشته زندانیان با شیوه های مانند لت و کوب، قرار دادن در گرمای شدید، خفه کردن با ریسمان، آب دادن بیش از حد و سپس بستن آلت تناسلی قربانیان، آویزان کردن اشیای سنگین در آلت تناسلی و سپس وادار کردن آنان به راه رفتن، انداختن پلاستیک در سر قربانیان برای حبس کردن نفس آنان، بی خوابی دادن، خوراندن غذای بیش از حد تند و تلخ و ترساندن با فیرمرمی، نگهداری کردن بازداشت شدگان در طویله های حیوانات از شیوه های معمول شکنجه در بازداشتگاه های طالبان است". همین نهاد نیز گزارش کرده در شش ماه نخست امسال حداقل ده نفر در زندان های طالب در زیر شکنجه جان باخته اند و دستکم ۲۸۳ نفر به طور هدفمند و مرموز توسط طالبان یا "افراد ناشناس" کشته شدند که بیشتر قربانیان زنان و مردان معترض به طالبان و حدود ۵۵ نفر از کارمندان ملکی و نظامی دولت پیشین بودند. اینها همه بدون وجود قانونی انجام می گیرد و تازه نام آن را امنیت می گذارند.

**۳- اقتصادی:** اخیراً نهادهای امپریالیستی به تعریف و تمجید از کارنامه اقتصادی طالبان پرداخته اند، این در شرایطی است که بیش از هشتاد درصد از نفوس کشور از مایحتاج اولیه زندگی محروم هستند، نزدیک به هفتاد درصد باشندگان به کمک فوری برای بقاء نیاز دارند. فقر مردم هر روز بیشتر می شود، تعداد بیکاران زیادتیر می شود. نیمی از نیروی کار یعنی زنان از کل اقتصاد افغانستان حذف شده اند، درآمد خانواده های غیر از طالب و وابستگان به طالب کمتر شده است، درآمد خانواده هایی که زنان سرپرست آن هستند به صفر نزدیک تر شده است و طفل هایشان شب ها گرسنه می خوابند. مردم قریه جات و مناطق حاشیه ئی طفل های خرد خود را برای تهیه معاش مابقی فامیل، به مبلغ ناچیزی می فروشند. همان مردمان از روی فقر دختران خردسال خود را به نکاح مردان مسن در می آورند پدیده ای که در همین دوسال اوج بی سابقه ای گرفته است. هزاران جوان و نوجوان عاجز از یافتن کار و شغل نا امید و مأیوس از آینده هر روزه مجبور به ترک دیار خود شده و با انواع و اقسام خطرات، جنایت ها و تحقیر ها در مسیر راه، راهی کشورهای همسایه و یا دیگر کشورها می شوند.

اما به زعم نهادهای اقتصادی و رسانه های امپریالیست های غرب، اقتصاد افغانستان امیدوار کننده و در مسیر ثبات و بهبودی به پیش می رود. این چنین است که نهادهای امپریالیستی با رجوع به آمار واقعی و غیر واقعی از صادرات که

فروش منابع و معادن و مواد غذایی مردم است و یا مالیات که اخاذی از مردم زحمتکش است و یا نرخ تورم و غیره، از اقتصاد طالبان به صورت مستقیم و غیر مستقیم تعریف و تمجید می کنند. اما مهر سکوت را در مورد فقر و گرسنگی، در مورد بیکاری و سطح پائین تولید، در مورد ورشکستگی کسب و کارهای مردم بر لبان خود کوبیده اند. البته بالاترین سکوتشان در مورد حذف زنان یعنی نیمی از جامعه از اقتصاد و تأثیرات مخرب آن بر اقتصاد کشور و آینده آن است.

**۴- زنان:** فشارها و محدودیت ها علیه زنان از جانب حکومت اسلامی طالبان که مهمترین نشانه و علامت ایدئولوژیک آن ستم و ظلم بالای زنان است غیر قابل پیش بینی نبود و چهره زشت و واقعی و زن ستیزانه خود را خیلی سریع و از همان روزهای اول نشان داد. به گونه ای که فعالترین بخش حکومت طالب در دوسال گذشته وزارت زن ستیزی است که بر آن نام "امر به معروف و نهی از منکر" نهاده اند. حکومت طالب از طریق این وزارتخانه به تدریج اما نه چندان آهسته، زنان را از محیط کار از مکاتب و پوهنتون، از پارک و خیابان و خلاصه از اجتماع حذف کرده اند و از هر حق انسانی محروم ساخته اند. این بدین معنی است که زنان از اقتصاد نیز بیرون شده اند. هنگامی که نیمی از نیروی کار افغانستان از کار و فعالیت اجتماعی محروم شوند، بدون شک ضربه مهلکی به موقعیت اقتصادی جامعه وارد خواهد آمد. اما بانک جهانی لازم ندیده که به تأثیرات منفی اقتصادی و پراهمیت این سیاست طالبان حتی اشاره ای کند. بدون شک امپریالیست ها از قبل در مورد آنچه بر سر زنان افغانستان خواهد آمد بی اطلاع نبودند و به احتمال بسیار بخشی از پلان امریکا نیز بوده است. بی دلیل نیست که سکوت امریکا و امپریالیست ها در مورد زنان، برخی افراد و نیروهای متوهم به امریکا و "جامعه جهانی" و گروههای زنان را شوکه کرده است. اما هنگامی که از ماهیت امپریالیستی دولت حاکم در امریکا آگاه باشیم و بررسی دیالکتیکی از شرایط و تحولات اوضاع داشته باشیم می توانیم دلایل این تحولات در افغانستان و سکوت رضایتمند امریکا از حذف زنان را که به احتمال بسیار بخشی از پلان و سیاست های نوین امریکا در منطقه بوده است، دریابیم. دریابیم که چگونه امریکا برای منافع خود و به دست آوردن چنین شرایطی با آگاهی و رغبت کامل پایه ئی ترین حقوق زنان افغانستان را دو دستی به قصابان حقوق زنان سپرده تا سلاخی کنند. بنابراین جایی برای شوکه شدن نیست بلکه تنها راه مبارزه علیه طالبان و حامیان امپریالیستی آنان تحت رهبری یک خط انقلابی پرولتاری می باشد.

با این حال نمی توان از دوسال به قدرت رساندن طالبان سخن گفت اما از مبارزه شجاعانه بخش های مختلف زنان در این دوسال سخنی نگفت. مبارزه زنان در دوسال گذشته زینت بخش چهره شهرهای مختلف افغانستان از کابل گرفته تا مزارشریف، بلخ، بدخشان، تخار، هرات و... بوده است. زنان شجاع علی رغم آگاهی بر سرکوب های وحشیانه در مقابل محدودیت ها آرام ننشستند و به اعتراض پرداختند. زنان اگر چه در تعداد محدودی اما اولین گروهی بودند که در مقابل طالبان به اعتراض پرداختند و نهال مبارزه علیه این حکومت واپسگرا و زن ستیز را در دل زمین کاشتند. اما آنچه که خودنمایی می کند، این مبارزات نسبت به همان روز اول تحول بسیاری یافته است هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی. از نظر کمی این مبارزات در تعداد وسیعتر و در شهرهای مختلف و توسط اقشار مختلفی صورت گرفته است. از فعالان حقوق زنان گرفته تا دانشجویان، از متعلمان لیسه ها تا کارمندان اخراج شده و آرایشگرها و... در این اعتراضات شرکت کرده اند. هر چند سرکوب وحشیانه تر شده است اما نتوانسته از وسیعتر شدن این مبارزات بکاهد. تعدد اعتراضات و زنان شرکت کننده نشان از عمق مبارزه و خشم زنان از این حکومت دارد. اما جنبه مهمترین است که این مبارزات از نظر تفکر بر آن نیز تکامل و تحول یافته است که نمونه آن را می توان در شعار تظاهرات شجاعانه زنان تخار در روز ۲۲ اسد مشاهده کرد. شعارهایی که نشان می دهد، چهره امپریالیسم امریکا برای بسیاری از زنان

افشاء شده است و صریحاً اعلام می کنند " طالب جنایت می کند امریکا حمایت می کند" و همچنین علاوه بر طالب و امریکا لابی گرانی که در تلاش هستند تا راه "تعامل" با طالب را به منظور عادی سازی روابط با آن هموار سازند افشاء و رسوا می سازند و در نقطه مقابل آن سرنگونی حکومت ارتجاعی و واپسگرایی طالب را در پیش می گذارد. این نشانه مهمی از تحول فکری در میان حداقل بخشی از زنان افغانستان است که در تجربه مبارزاتی خود به فریبکاری امپریالیزم امریکا و متحدینش و همچنین نهادهای مختلف اقتصادی و سیاسی وابسته به آن از جمله سازمان ملل متحد پی برده اند.

به این ترتیب جنبش زنان مهمترین مشکل در مقابل حکومت طالب است، مشکلی که طالب از عمق و خطر آن درک و فهمی ندارد و تصور می کند با سرکوب بیشتر و محدود کردن بیشتر زنان می تواند این جنبش را بالاخره از بین ببرد. اما جنبش مبارزاتی زنان نیروی خشمگین و سهمگینی است که به آسانی فروکش نخواهد کرد بلکه در سرنگونی طالب سهم ویژه و پیشتازی را ایفا خواهد نمود.

### دوسال حکومت طالبان و به رسمیت شناختن آن

علی رغم به قدرت رساندن طالب توسط امپریالیزم امریکا و متحدینش، بسیاری همچنان بر این تصور می باشند که آنچه مانع به رسمیت شناختن طالب از جانب امریکا است، اعمال محدودیت ها بر زنان و دیگر محدودیت ها علیه ملیت های غیر پشتون می باشد. اما واقعیت این است که سیاست های طالب تا زمانی که در قدرت باشد همین است و مهمتر این که امپریالیزم امریکا نیز بر این مسأله آگاه است و فراتر از آن خواستار آن است که طالب چنین رفتار زنستیزانه و ضد مردمی را به پیش برد. چرا که همین ویژگی طالب است که باعث شده امریکا قدرت را دودسته به آن تحویل دهد. این رفتار و سیاست طالب است که می تواند در خدمت منافع امپریالیستی امریکا قرار گیرد. این رفتار و سیاست طالب است که می تواند افغانستان را به جولانگاه و محل پرورش گروه های تروریستی بنیادگرا مبدل کند و همین رفتار و سیاست است که می تواند بی ثباتی در منطقه را ایجاد کند و باعث دردمس و مزاحمت ها برای دیگر کشورهای منطقه گردد. به این ترتیب چنین کشمکش میان طالبان و "جامعه جهانی" بر سر به رسمیت شناختن طالبان ادامه خواهد یافت. در حالی که تحت عنوان، "کمک های بشر دوستانه" و تعامل با طالبان کمک ها به سوی طالب سرارزیر خواهد شد. اما در انظار بین المللی و در ظاهر فاصله با به رسمیت نشناختن طالبان حفظ می شود. آنچه در پس این سیاست بازی های کثیف امپریالیستی و ارتجاعی قرار دارد، امریکا و یا به عبارت دیگر "جامعه جهانی" مدت هاست که طالب را به رسمیت شناخته است. هنگامی که کنفرانس دوحه بر سر مسایل افغانستان بدون مشارکت دولت وقت افغانستان یعنی دولت "اشرف غنی" برگزار شد، امریکا در واقع طالب را به رسمیت شناخت و در همان زمان جایگزین "اشرف غنی" نمود. از آن زمان ملاقات ها به صورت خصوصی و در شکل برگزاری کنفرانس های مختلف اسلو، اسلام آباد، دوحه، وین و غیره برگزار شده و کمک ها جریان دارد.

بعد از دو سال حکومت طالب، بیش از پیش روشن شده است که تنها راه نجات مردم افغانستان نه چشم دوختن به "جامعه جهانی" یا امپریالیستها بلکه اتکاء به نیروی خود و مردم خود است. چرا که "جامعه جهانی" یا به عبارت دیگر امپریالیزم خود شریک طالب است. تنها مبارزه توده های مردم تحت رهبری نیروی انقلابی پرولتری قادر است افغانستان را از زنجیره وابستگی و اسارت به امپریالیست ها و مرتجعان منطقه ئی و نیروی شدت واپسگرایی طالب و انواع بنیاد گرایان نجات دهد و در مسیر رهائی از هر گونه ستم و استثمار به پیش رهنمون سازد. تنها یک نیروی پرولتری است که نقش و اهمیت مبارزاتی زنان و پتانسیل سهمگین و انقلابی آنان را درک می کند. تنها یک نیروی

پرولتری است که می تواند محرومیت و فقر طبقات تحتانی و زحمتکش را درک و حس کند و آنان را برای نابودی نیروهای مرتجع و روابط استثمار و عقب مانده کنونی در خدمت به یک انقلاب واقعی بسیج و سازماندهی کند.

به پیش در راه انقلاب پرولتری!

جمعی از کمونیست های انقلابی - افغانستان